

عوامل پیشرفت اروپای مدرن

ایوان تی برند

محمد ابراهیم محبوب



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تهران ۱۳۹۵

Berend, T. Iván. (Tibor Iván)

برند، تیمور ایوان، ۱۹۳۰ - م.
عوامل پیشرفت اروپای مدرن / ایوان تی برند؛ مترجم محمدابراهیم محجوب.
تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۹۵.
۴۰۸ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۴۶۸-۵۴۰-۸

فیپا

Case studies on modern European economy:
entrepreneurs, investors, institutions, 2013.

عنوان اصلی:

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:

موضوع: کارآفرینی -- اروپا -- نمونه پژوهی
موضوع: Entrepreneurship -- Europe -- Case studies
موضوع: سرمایه داری -- اروپا -- نمونه پژوهی
موضوع: Capitalism -- Europe -- Case studies
موضوع: رشد اقتصادی -- اروپا -- نمونه پژوهی
موضوع: Economic development -- Europe -- Case studies
موضوع: اروپا -- اوضاع اقتصادی
موضوع: Europe -- Economic conditions
موضوع: محجوب، محمدابراهیم، ۱۳۳۰ - مترجم
موضوع: Mahjoub, Mohammad Ibrahim
موضوع: شرکت چاپ و نشر بازرگانی
موضوع: HC ۲۴۰/ب ۴۴۹ ۱۳۹۵
موضوع: ۳۳۰/۹۴
موضوع: ۴۵۳۲۳۷۱
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

نیمه ردی، اتفیشیپ راه آمد

مطالعات و پژوهش های بازرگانی



شرکت چاپ و نشر بازرگانی

وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

عوامل پیشرفت اروپای مدرن

ایوان تی پرند

مترجم: محمد ابراهیم محبوب

مدیر هنری و طراح جلد: پاشا دارابی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۶۸-۵۴۰-۸

«کلیه حقوق محفوظ و مخصوص شرکت چاپ و نشر بازرگانی است.»

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نبش کوچه همدان،

شماره ۱۲۰۶ | تلفن: ۶۶۹۳۳۲۹-۰۲۱

ایمیل: info@cpcp.ir

WWW.CPPC.IR



فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار
۲۵	فصل اول. نیروی کار افغان
۲۷	پیش‌گفتار
۲۹	مایر آمشل باونرو بنیان‌گذاری تجارت‌خانه و تشل لند
۳۵	جیمز ناسمیت، پیشگام تولید انبوه ماشین‌آلات و ابزارهای استاندارد
۴۰	خاندان مارزوف: از رعیت‌های بی‌سواد تا ثروتمندترین صنعتگران روسیه
۴۳	ورنرو ویلهلم زیمنس و دومین انقلاب صنعتی
۵۰	ویلیام آر. موریس و صنعت خودرویی بریتانیا
۵۶	لویی رنو و صنعت خودرویی فرانسه
۶۲	امیل و والتر راتناو: تولد صنایع الکتریکی و الکتروشیمیایی آلمان
۶۷	کارآفرینی یهودی در مجارستان
۷۱	زنان در مدیریت و کسب‌وکار
۷۷	تولد صنعت آهن بیسکای در اسپانیا
۸۱	فصل دوم. نیروهای نهادها
۸۳	پیش‌گفتار
۸۹	چرخه حمایت‌گرایی و عدم مداخله در اقتصاد مبتنی بر بازار

۹۶	تولد و تجدد سرمایه‌داری: استعمارگری و استعمارزدایی
۱۰۲	اقتصاد دستوری زمان جنگ آلمان: مهد رژیم‌های جدید اقتصادی
۱۰۶	رژیم اقتصادی دیکتاتوری مدرن‌سازی فاشیستی
۱۱۰	رژیم اقتصادی غیرمبتنی بر بازار با برنامه‌ریزی مرکزی
۱۱۵	«اقتصاد سرزمین بزرگ» آلمان نازی و «کومکن» تحت رهبری شوروی:
۱۱۵	خودسالاری منطقه‌ای
۱۲۰	انحادهای صنفی و «مشارکت اجتماعی»
۱۲۷	تجدید سرمایه‌داری: دولت رفاه
۱۳۳	تجدید سرمایه‌داری: نظام بازار کنترل شده
۱۳۹	نظام توزیع و تجارت: اتحادیه اروپا؛ به سوی یک اروپای همگن
۱۴۳	جهانی‌سازی: برده‌داری و بازارها
۱۵۱	فصل سوم. نیروی ایده‌ها و وابستگی
۱۵۳	پیش‌گفتار
۱۵۵	روشنگری و رمانتیسم: ایده جامعه مدرن و سنت-کسور
۱۶۱	ارزش‌های گیتی‌گرا و لیبرالی که رویکرد سرمایه‌دانه آمریزه را پدید آوردند
۱۶۷	فرهنگ پیشامدرن که راه را بر تحول سرمایه‌داری مدرن سد می‌کرد
۱۷۲	دو کتابی که بیشترین سهم را در ایجاد جهان مدرن داشتند: نیوتن و رابینسون
۱۷۸	اختراع، و باز اختراع کشاورزی
۱۸۳	انقلاب در ترابری با موتور بخار
۱۸۷	کشتن کشته‌ها: از مایه‌کوبی تا پادزیست‌ها
۱۹۲	تولید رنگینه‌های ترکیبی
۱۹۷	برق و کاربردهای آن
۲۰۰	از جاده شنی تا بزرگراه
۲۰۷	تولد سینما

۲۱۰	زنان در کار و بازار کار
۲۱۷	ورنرفون براون: پیشگام متفکر فن موشک، و جنایتکار جنگی ...
۲۲۲	رایانه، اینترنت، و شبکه جهان گستر

فصل چهارم. بنگاه‌های پیشگام

۲۳۱	پیش‌گفتار
۲۳۳	بنگاه‌ها: امپراتوری‌ها، و امپراتوری‌های بنگاه‌ها
۲۳۹	بند روتردام - «بند اروپا»
۲۴۲	رولکس، یک از موفق‌ترین ساعت‌سازان سوییسی
۲۴۴	کوچک زیباست «تول» جمع «در صنعت ابریشم لیون
۲۴۸	گانتس ورکز: بنگاه مهندسی پیشین در کشوری کمتر توسعه یافته
۲۵۲	امپراتوری نیسن: از محلی به جهانی
۲۵۷	بنگاه جهانی کشتی‌رانی ترعه سوئز
۲۶۲	بنگاه «راه آهن شرق» و نقشه‌های استعماری
۲۶۶	ویکرز-آرمسترانگ: غول نظامی چند بازو
۲۷۲	فیلیپس هلند: از عصر برق تا عصر الکترونیک
۲۸۱	نخستین شرکت‌های خطوط هوایی: ایرفرانس، ک‌ال‌ام، ولوف‌هانزا
۲۸۵	گوچی

فصل پنجم. از ظهور شهرهای صنعتی تا حومه‌نشینی پسا صنعتی

۲۹۳	پیش‌گفتار
۲۹۵	منچستر: نخستین شهر صنعتی جهان
۲۹۹	لیون: مرکز ابریشم اروپا
۳۰۳	تورین: پایتخت صنعتی ایتالیا
۳۱۰	ظهور بزرگ‌ترین قطب صنعتی شهری: منطقه روهر

۳۱۴	بودابست: پایتخت کهن تبدیل به مرکز صنعتی نومی شود
۳۱۸	ظهور «برنو»، نخستین شهر صنعتی اروپای مرکزی
۳۲۲	لودز، «منچستر لهستان»
۳۲۷	بازسازی پاریس و پراگ در نیمه دوم قرن نوزدهم
۳۳۵	انسانی سازی شهرها: ساخت باغ شهرها و پیاده راه ها
۳۴۰	اسکامات صنعتی استالین: استالین گراد و استالین واروس
۳۴۶	ظهور شهرهای پساصنعتی: حومه نشینی
۳۵۰	دو نوع مهم توسعه شهری
۳۵۵	فصل ششم. حباب «اوردهای رنگ: چرخه های اقتصادی
۳۵۷	پیش گفتار
۳۶۲	خواب فرعون و چرخه های اقتصادی
۳۶۷	یک تشخیص جدید تکان دهنده: نیکلاس راتسک
۳۷۲	از حباب لاله هلندی (۱۶۳۷) تا حباب بازار مسکن ایرلند (۲۰۰۸)
۳۷۷	بزرگ ترین فروپاشی اقتصادی تاریخ: رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰
۳۸۳	خودکشی ایوار کروگر در سال ۱۹۳۲: نماد و نشانگر حس و حال رکود بزرگ
۳۸۹	کالبدشناسی فروپاشی بانک ها در دهه ۱۹۳۰
۳۹۲	بالاترین تورم تاریخ: مجارستان ۱۹۳۸-۱۹۴۶
۳۹۷	چگونه می توان کشوری را ورشکسته کرد: یونان ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰
۴۰۲	پیرامونی های اروپا و بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۱۲

بیش گفتار

این دیباچه شرح کلی می‌است، از چارچوب کلی مطالعات موردی مطرح شده در این کتاب. در واقع اداس به ارد را که در قالب اقتصاد خرد بررسی کرده‌ایم در حکم رگ و پی حساب کنیم، این دیباچه اسکلتی است در قالب اقتصاد کلان برای آن مجموعه رگ و پی. در جمع‌بندی فرایند تحولات جدید در اقتصاد مدرن اروپا (این که چه اتفاقی افتاد، و چرا)، این دیباچه کمکی است به خواننده در پی دقیق هریک از موارد مطالعه شده تا با استفاده از آن خواننده بتواند آن‌ها را به صورت مرتب در یک چارچوب کلان بگنجاند. داستان اقتصاد مدرن اروپا به قرن هفدهم بازمی‌گردد، به زمانی که در برخی از کشورهای شمال غربی اروپا (انگلستان و ممالک ساحلی، خاصه جمهوری هلند)، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی، و کنش‌ها، به تدریج از معیارهایی که قرن‌ها بر قاره اروپا چیره بودند فاصله گرفتند. در غیاب استانداردهای فنودالی در بخش‌هایی از این کشورها، و نابودی سریع آن‌ها در دیگر بخش‌ها، رونود شرایطی از فرهنگ خاصی همچون ذهنیت اصلاح‌گرا و متمایل به سرمایه‌داری، و درک ارزش سخت‌کوشی و صرفه‌جویی، موجب گردید در این کشورها، بسی زودتر از هر کشوری دیگری در جهان، راه برای پیشرفت علمی، شکل‌های جدید آموزش، گیتی‌گرایی، و شهرنشینی هموار شود. این تحولات زمینه را برای دگرگونی مدرنی فراهم آوردند که در پایان قرن نوزدهم رفته‌رفته در انقلاب صنعتی انگلستان بازتاب یافت و به‌راستی فصل تازه‌ای در تاریخ اروپا و بشریت گشود. تحول صنعتی ابتدا در قرن نوزدهم از انگلستان

به اروپای غربی و کشورهای اسکاندیناوی راه یافت و در قرن بیستم به مناطق پیرامونی، یعنی سرزمین‌های مدیترانه‌ای و اروپای مرکزی و شرقی سرایت کرد. به‌سختن دیگر، در خلال قرون نوزدهم و بیستم، کل اروپا دچار دگرگونی عظیمی شد. تمامی این مشاهدات سراسری، به‌خوبی در آمارها بازتاب یافته‌اند.

در طول این دو قرن، اروپاییان به‌نحو چشمگیری ثروتمندتر شده‌اند تا جایی که میزان گشت‌کالاها و خدماتی که در اختیار سکنه قشر متوسط این قاره قرار گرفته است، طی این مدت نزدیک به چهل برابر افزایش یافته است. رهاورد این وفور برای ایشار، افزایش برده‌ها، پوشاک بهتر و بیشتر، مسکن سالم‌تر و بسیار راحت‌تر، آموزش بیشتر، افزایش پندش ساله مدت میانگین حضور در مراکز تحصیلی، و دارو و درمان بسیار مؤثرتر بوده است چنان‌که این‌ها همه به‌طرز چشمگیری بر عمرمورد انتظار ایشان افزوده است. ثروت بیشتر هم‌زمان به‌معنای تعطیلات طولانی‌تر، سرگرمی بیشتر در خلال وقت آزاد فراوان، و سبک‌های زیسته در سرعت‌هایی بسیار بالاتر از پیش بوده است به‌طوری که دسترسی به کشورهای قاره‌ای دیگر را بسیار آسان‌تر ساخته است.

در ابتدای این دو قرن تحول‌آفرین، عموم اروپایی‌ها نزدیک به ۸۰ تا ۹۰ درصد درآمدشان را صرف تهیه خوراک و دیگر نیازها، ازبیه می‌کردند اما در پایان این دوره این رقم به ۱۰ تا ۱۵ درصد رسید. در آغاز دوره، مردم در ۱۶۸ ساعت، و هر هفته ۷۰ تا ۹۰ ساعت کار می‌کردند. این رقم در پایان دوره یادشده به ۲۰ تا ۴۰ ساعت در هفته رسید با دوروز تعطیلی در هفته و تقریباً پنج شش هفته تعطیلی به‌لاشه همراه با حقوق رسید. در آغاز دوره ۶۰ تا ۹۰ درصد مردم بی‌سواد بودند؛ در پایان دوره، به‌علاوه تمامی مردم دوره ابتدایی و شکلی از دوره متوسطه را به پایان رسانده و نیمی از جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله در دانشگاه‌ها درس می‌خواندند. دویست سال پیش عمرمورد انتظار نوزاد ۲۵ سال بود؛ امروزه این رقم به ۸۰ سال رسیده است. بخشی از این افزایش به این دلیل است که مرگ‌ومیر کودکان به‌شدت کاهش یافته است و بیماری‌هایی چون طاعون، وبا، آبله، سل، فلج اطفال، و کوفت که در سنین بالاتر مردم را در می‌کردند تقریباً به‌کلی ریشه‌کن شده‌اند. مایه‌کوبی، بیمارستان‌های مدرن، اختراع آنتی‌بیوتیک‌ها، و صنعت

پیچیده و پیشرفته داروسازی به نابودی این بلایای مربوط به قرون وسطی و درمان بسیاری از دیگر بیماری‌ها انجامیدند. البته در دوران مدرن نیز مواردی از بیماری‌های همه‌گیر از جمله بیماری قند، بیماری‌های قلبی، و ایدز پدید آمده یا شدت گرفته‌اند اما به کمک پژوهش‌ها و کشفیات پزشکی مستمر، بسیاری از آن‌ها مهار شده و یا تحمل آن‌ها آسان‌تر شده است.

از آغاز قرن نوزدهم، اکثریت عظیمی از مردم در همان روستای زادگاهشان می‌مردند. با بهایی بی‌اندازه محدود، و سفر با سرعت میانگین ۲۰ کیلومتر بر ساعت، بسیار دشوار، آهسته و غافل‌گیر بود. در پایان قرن بیستم میلیون‌ها تن از مردم در حال جابه‌جایی دائم بودند. خودروهای امروزی ۳۰-۱۲۰ کیلومتر بر ساعت سرعت دارند، قطارها ۲۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر در ساعت، هواپیماها ۶۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر، یعنی تقریباً ۸۰ درصد سرعت صوت. در این ضمن اروپا در قرن نوزدهم نزدیک به ۶۰ میلیون از مردمش را برای اسکان در جاهایی چون آمریکا، استرالیا، نیوزیلند، و آفریقا به آن صفحات فرستاد، اکنون میزبان مهاجرانی از دیگر نژادها است تا حدی که بین ۸ تا ۱۰ درصد جمعیت این قاره از همین مهاجران تشکیل می‌شود.

شرایط زندگی، حتی برای اکثریت مهاجران به اندازه زیادی بهبود یافته است. در آغاز سده نوزدهم، در بخش اعظم اروپا و مناطق کشاورزی، سه نسل از یک خانواده واحد، غالباً سی‌چهل نفر، زیر یک سقف می‌زیستند. در شهرهای صنعتی مردم در اتاق‌های شلوغ، در زیر شیروانی‌ها، و سرداب‌ها زندگی می‌کردند. چند نفر در یک رختخواب می‌خوابیدند؛ و از یک «توالت» که در واقع سوراخ برنجی در گوشه حیاط بود، به‌طور مشترک با ساکنان کل یک بلوک آپارتمان استفاده می‌کردند. برعکس، در پایان قرن بیستم، بخش کثیری از جمعیت اروپا در خانه‌های راحت تک‌خانوار، یا آپارتمان‌های ۲ تا ۴ نفره در محیط‌های کاملاً توسعه یافته زندگی می‌کردند.

علت اصلی این تغییرات عظیم و بی‌مانند چه بود؟ پاسخ در یک کلمه: اقتصاد بود. یا به‌زبانی مشخص‌تر، تحولات بزرگ اقتصادی. نقطه آغاز این تحولات، ایجاد تغییرات کلیدی در شیوه بهره‌برداری از زمین برای تولید خوراک بود؛ تغییراتی که در

مجموع انقلاب کشاورزی را رقم زدند. مردم به جای کشاورزی به روش‌هایی که مستلزم رها کردن ثلث یا حتی نیمی از زمین به منظور آیش بود، روش مدرن کشت نوبتی را در پیش گرفتند که به ایشان اجازه می‌داد در هر سال تمامی زمین‌ها را بکارند، ضمن این‌که کود حیوانی و بذره‌های جدید پیوندی، موجب افزایش بازدهی سالانه می‌شدند. شرح این نوآوری‌ها را زیر عنوان «اختراع و باز اختراع کشاورزی» در این کتاب می‌خوانید. این نوآوری‌ها پیامدهای بی‌شماری داشتند. نخست، با همه‌گیر شدن این شیوه کشاورزی، تأمین خوراک مطمئن‌تر و فراوان‌تر شد. زمانی بود که قحطی و خشک‌سالی مهمان سمیّتی زمین‌های اروپا به‌شمار می‌آمد. در سده‌های میانه قحطی ۹۵ بار در انگلستان و در فرانسه در نوردید. در اواخر قرن شانزدهم ثلث جمعیت فنلاند بر اثر قحطی هلاک شدند. در نیمه دوم قرن هجدهم مردم اسکاتلندی‌ای ۹ بار شاهد قحطی و غلا بودند. آخرین قحطی بزرگ در سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹ برایرلند سایه افکند. بالغ بر یک میلیون تن را به کمربند مرگ رساناد و دو میلیون تن را به ترک سرزمینشان واداشت. در سال ۱۸۶۶ و ۱۸۶۸ بار دیگر در فنلاند بود که ۸ درصد از جمعیتش را به واسطه قحطی بی‌امان از دست بدهد. ولی در پایان قرن نوزدهم بهره‌وری کشاورزی چنان افزایشی پیدا کرده بود که سرزمین‌های اروپایی دیگر در زمان صلح از شر آن در امان بودند. تنها استثنای واقعی این قاعده، در کشورهای پیرامونی ریخ داد که از نظر اقتصادی عقب مانده بودند؛ مانند روسیه نیمه دوم قرن نوزدهم تا سال ۱۹۲۲ که در آن، کمبود خوراک و کشت ناچیز، یازده بار به قحطی انجامید و این راجعه بار دیگر در اوایل دهه ۱۹۳۰ در خلال اجرای برنامه مالکیت اشتراکی اجباری، استالین تکرار شد. دومین پیامد تحولات یادشده این بود که در ضمن فراوانی خوراک و افزایش قابلیت اطمینان کشاورزی، بهره‌وری فرایند کشت و کار افزایش یافت. در نتیجه جمعیت کمتری می‌توانستند خوراک مورد نیاز مردم اروپا را فراهم بیاورند. امروزه فقط ۳ تا ۵ درصد مردم اروپا به کشت و کار اشتغال دارند در حالی‌که در آغاز قرن نوزدهم این رقم معادل ۶۰ تا ۸۰ درصد جمعیت بود. از این گذشته، تولید جمعیت قلیل کشاورز امروز، چندین برابر تولید جمعیت کثیر کشاورز دیروز است. اروپا حتی غذا صادر می‌کند.

رهایی اکثریت مردم از زحمت کشیدن در مزارع، نیروی کار لازم برای رشد صنایع نوپا را فراهم آورد. بدین ترتیب، دو قرن گذشته به صنعتی شدن و ماشینی شدن تقریباً تمامی اشکال کار و تولید انجامیده است. سیر این تحولات را در این کتاب، در بخش مطالعات موردی، خاصه مطالعات با عنوان «جیمز ناسمیت، پیشتاز استانداردسازی تولید انبوه ابزارها و ماشین‌ها» و عنوان «کشتن کشنده: از ماهی‌کوبی تا آنتی بیوتیک‌ها» می‌توانید بخوانید.

هرچه اقتصاد اروپا مدرن‌تر می‌شد، بیشتر بر علم و دانش تکیه می‌کرد تا جایی که اکنون دیگر روش‌های نوآوری صنعتی موتور اصلی تغییرات و تحولات اقتصادی شده است. تقریباً در سده بیستم، یک بار، در چرخش قرن نوزدهم، بیستم، و بیست و یکم، با نوعی انقلاب عظیم فناوری صنعتی روبه‌رو بوده‌ایم که خودش سنگ بنای انقلاب بعدی بوده است. نخستین انقلاب در چرخش قرن نوزدهم، در انگلستان، موجب پدید آمدن ماشین بخار، صنایع نساجی و فولاد، و مکانیزه شدن کارخانه‌ها شد. زغال، این منبع انرژی جدید معانی جدیدی برای تولیدات انکاب‌ها به منابع ارگانیک مانند چوب را از میان برداشت و از این رهگذر اقتصاد را تحول کرد. گرچه اقتصاد انگلستان تا نیمه قرن نوزدهم همچنان پیشا صنعتی مانند دهه بیستم به سبب تحولات یاد شده دروازه‌ها برای رشد پایدار اقتصاد باز ماندند.

صنعتی شدن کشورهای قاره‌ی اروپا با الگوبرداری از زوری انقلاب صنعتی صورت گرفت و در گذر سال‌های سده نوزدهم خود موجب پدید آمدن دگرگونی‌های انقلابی در اقتصاد شد. در سال‌های میانی این قرن، فرایند صنعتی شدن بر اثر ساخت خطوط آهن، بسیار قوت گرفت. مطالعات موردی «انقلاب در حمل و نقل به وسیله موتور بخار» و «از جاده‌شن‌فرش تا اتوبان» کمک می‌کنند تأثیرات انقلابی این تحولات را بهتر درک کنیم. در ثلث پایانی قرن، در یک انقلاب صنعتی سراسر علم محور به رهبری آلمان، صنعت شیمی ارگانیک و صنایع الکتریکی و خودروسازی ریشه گرفتند. این انقلاب صنعتی دوم، در قیاس با انقلاب صنعتی قرن پیش، گسستی فراخ‌تر در روند تاریخ پدید آورد. چندین مطالعه موردی به شرح این نکته اختصاص دارند که «اختراع

رنگ‌های مصنوعی»، «ورنر و ویلهلم زیمنس و دومین انقلاب صنعتی»، «ویلیام آر. موریس و صنعت خودروسازی انگلستان»، «لویی رنو و صنعت خودروسازی فرانسه»، و «امیل والتراوتناو: تولد صنایع الکتریکی و الکتروشمیایی آلمان» از آن جمله‌اند.

انقلاب سوم، انقلاب الکترونیک بود که در نیمه دوم قرن بیستم به راه افتاد و تا امروز ادامه دارد، خاصه در قالب به اصطلاح انقلاب ارتباطات و اختراعات هم‌زادش کامپیوتر، شبکه‌های اینترنت، همچنان ادامه دارد. این نوآوری‌ها که زیر عنوان «کامپیوتر، اینترنت، و شبکه جهانی» درباره آن‌ها بحث کرده‌ایم به نظر می‌رسد عامل اصلی ایجاد وضعیت اقتصادی ندری مردمان اروپا و سراسر جهان باشند، اقتصادی که بی‌وقفه از حیث فناوری به حال خود می‌ماند.

ولی در حقیقت به نظر می‌آید که بین انقلاب صنعتی بی‌وقفه، از یک قرن پیش یعنی در خلال انقلاب صنعتی دوم و سده بیستم، یعنی زمانی که خانه‌ها و ادارات مکانیزه شدند آغاز شد. امروزه یخچال، ماشین لباسشویی، ماشین ظرف‌شویی، جاروبرقی، و دستگاه‌های تهویه مطبوع، کامپیوتر، پاور، و اسکنر و ماشین‌های زیراکس از جمله تجهیزات پرشماری هستند که آسایشی غیر قابل قیاس با زمان‌های دیگر برای بشریت فراهم آورده‌اند. در کنار این‌ها باید از ابتکاراتی در سینما، و پیشرفت‌های نظامی همچون موشک‌های هدایت‌شونده نیز یاد کنیم. ملاحظات موردی مربوط به این دو نمونه آخری را زیر عنوان «تولد سینما»، و «ورنر فون براون: پیش‌گامان موشک‌های شمشاد فناوری موشک - و جنایتکار جنگی "غیرسیاسی"» می‌خوانیم.

انقلاب مبتنی بر فناوری، حمل و نقل را از اساس دگرگون کرد. در آن، کسانی‌های بادیانی رقابت را به کشتی بخار باختند، و آبراه‌ها مسیرهای کشتی‌رانی را کوتاه کردند ضمن این‌که هزینه‌ها را پایین آوردند. مطالعه موردی زیر عنوان «بنگاه کشتی‌رانی جهانی آبراه سوئز» سرگذشت این تحول را روایت می‌کند. در زمین، گاری‌های اسبی جایشان را به راه آهن دادند که سرانجام سراسر اروپا را درنوردید و تمامی کشورهای اروپایی را به یک‌دیگر وصل کرد و امکان جابه‌جایی بار و مسافر را فراهم آورد. این تحول هیجان‌انگیز زیر عنوان «بنگاه اورینالیش آیزن‌بانن و نقشه‌های استعماری آلمان»، و

«بندر روتردام» - «بندر اروپا» در این کتاب مستند شده است. جنبش بی‌توقف فناوری باعث شد موتور بخار قرن نوزدهم با موتور برقی و دیزل قرن بیستم جایگزین شود و در انتها به ساخت قطارهای گلوله‌مانند امروزی انجامید که در هر ساعت چهار صد کیلومتر را طی طریق می‌کنند. از دهه ۱۹۳۰ به این سو، و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، ساخت‌وساز آهسته و پیوسته شبکه‌های جدید بزرگراه‌ها، چیرگی اتومبیل‌ها بر جاده‌ها را در پی داشته است تا جایی که امروزه به‌طور میانگین در اروپا از هر دو نفر یک نفر صاحب اتومبیل است و کمابیش هر خانواده‌ای به این وسیله رفت‌وآمد انعطاف‌پذیر و اختصاصی دسترسی دارد. وسائط نقلیه عمومی شهری از جمله تراموا، اتوبوس، شبکه مترو، جابجایی را آسان‌تر می‌کنند. سرانجام در سال‌های آغازین سده بیستم، رفت‌وآمد هوایی، چنان‌که زیر عنوان «نخستین خطوط هوایی: ایرفرانس، کالام، ولوفت‌هانزا» شرح داده ایم، مسیر چشمگیر تکامل خاص خودش افتاد.

این انقلاب‌های فناوری محور، افق‌های سستی اروپا را ساختاری جدید بخشیدند و منطقه‌ای را که قرن‌ها عمدتاً زیر سلطهٔ فئودالیسم کشاورزی بود، دگرگون کردند. در سال ۱۸۴۱ انگلستان نخستین کشوری بود که در آن، نیروی کار فعال در بخش صنعت از بخش کشاورزی پیشی گرفت. این روند به آرامی ادامه یافت تا جایی که در پایان قرن بیستم، کشاورزی که زمانی ۸۰ درصد از جمعیت فعال اروپا را در استخدام داشت، فقط ۴ تا ۶ درصد جمعیت را در بر کار گرفته بود. شمار افراد فعال در بخش صنعت نیز ریزش شدیدی داشت چنان‌که در پایان قرن بیستم تنها ۲۷ درصد درآمد کل اروپا از بخش صنعت تأمین می‌شد. در واقع بیشتر جمعیت فعال جامعه از شر کارهای رها شده بودند تا جایی که فقط ۲۵ تا ۳۰ درصد ایشان در بخش کشاورزی یا بخش‌های یقه‌آبی صنعت کار می‌کردند و بقیه، یعنی حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد جمعیت در صنایع خدماتی سرگرم فعالیت بودند.

عصر صنعتی موجب مهاجرت‌های تاریخی، از جمله مهاجرت از اروپا به دیگر قاره‌ها، و از روستاها به شهرهای نوظهور شد. تقریباً ۶۰ میلیون نفر پیش از جنگ جهانی اول اروپا را ترک کردند، با وجود این، جمعیت منطقه طی این مدت کمابیش

سه برابر شد و بدین ترتیب الگوهای اسکان مردم زیر فشار تغییر قرار گرفت. در اوایل قرن نوزدهم نوع جدیدی از اسکان، به صورت شهر صنعتی، به ظهور رسید و میلیون‌ها نفر از کشاورزان روستاها را جذب کرد. مقیاس مهاجرت‌های درونی بسیار کلان بود چنان‌که در پایان قرن بیستم در برخی از کشورهای غرب اروپا بیش از نود درصد جمعیت ساکن شهرها بودند. شرح پدیده شهرنشینی سریع، در مطالعات موردی «منچستر: نخستین شهر صنعتی جهان» (انگلستان)، «لیون: مرکز ابریشم اروپا» (فرانسه)، «ترین: پایتخت صنعتی ایتالیا»، «ظهور برون، نخستین شهر صنعتی اروپای مرکزی» (سری‌لنکا)، «لودس، منچستر لهستان»، و «بوداپست: پایتخت کهن، مرکز صنعتی جدیدی می‌شود» (مجارستان) آمده است.

در پی مهاجرت‌های گسترده، شهرهای پرجمعیت و ناسالم، خودشان دچار تغییر می‌شدند. در نیمه دوم قرن نوزدهم شهرهای بزرگ، چنان‌که در مطالعه موردی «بازسازی پاریس و پراگ در نیمه دوم قرن نوزدهم» آمده‌ایم، رفته‌رفته مدرن می‌شدند. افزون بر این، از آغاز قرن بیستم، مهاجرت به سمت روستاها، شهرها با جریان گریز از مرکز حومه‌نشینی مواجه شد؛ جریانی که در سال‌های پایانی سده بیستم، با شتابی بیشتر به شهرگرایی انجامید تا جایی که موجب کوچ شمار هنگشتی از مردم از شهرهای شلوغ به مناطقی شد که در فواصل ۱۰ تا ۵۰ کیلومتری حومه کلان‌شهرها به سرعت رشد می‌کردند. در نواحی ساحلی نیز کیلومتر به کیلومتر، مردم به طور پراکنده در کنار آب اسکان یافتند و بدین ترتیب دگرگونی عظیمی در الگوی شهرنشینی پدید آوردند. امروزه در کشورهای پیشرفته بین ۶۰ تا ۸۰ درصد مردم در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که در آن‌ها خودشان است. آشکار است که طی دو قرن مدرن‌سازی، ساختار سکنی‌گزینی در اروپا به شدت دگرگون شده است. در مطالعات موردی زیر عناوین «انسانی شدن شهرها: باغ‌شهر و پیاده‌روسازی»، «ظهور شهرهای پسا صنعتی: حومه‌نشینی»، و «دو شیوه مهم توسعه شهرها» ضمن تشریح این تحولات چشمگیر در شهرنشینی، خاصه درباره پیامدهای ترکیب زندگی سبک روستایی با تجربیات شهری سخن به میان آمده است.

می‌توان گفت دانش انباشته و یک فرهنگ متحول شده، در اساس، آن نیروهایی

بودند که موجبات این تحولات عظیم را پدید آوردند. ظرف دویست سال، انقلاب علمی، و همزادان و بازماندگان فرهنگی‌اش، در ترکیب با یک‌دیگر، به تدریج جا را برای خرافات، ترس از جهان «ناشناختنی»، و تعصب دینی تنگ کرده‌اند و موجبات شکوفایی اختراعات و ابتکارات اجتماعی و علمی را فراهم آورده‌اند. مطالعات موردی زیر عناوین «روشنگری و رومانتیسم: اندیشه‌های جامعه و دولت-ملت مدرن»، «ارزش‌های لیبرالی و گیتی‌گرایانه‌ای که رویکرد سرمایه‌داری مدرن را شکل داده‌اند»، و «در کتابی که بیشترین سهم را در خلق جهان مدرن دارند: نیوتون و داروین» نشان می‌دهند چگونه است اندیشه، موجب دگرگونی اقتصاد و جهان می‌شود. مردم آموختند چش بسته میراث اعصار پیشین را نپذیرند. از قرن هجدهم به این طرف، به قول جونل موکاپ و غیره «روشنگری صنعتی» موجب استفاده از علم کاربردی و تجربه در موارد خیلی عادی زندگی شده است. کتاب‌ها، فرهنگ‌ها، و سخنرانی‌های عمومی موجبات پخش دانش را ضرر و بیزکی و همچنین دانش فنی عملی را فراهم آورده‌اند. سازمان‌های اجتماعی، از موسسات خصوصی توسعه علم و هنر آماتور گرفته تا انجمن‌های سلطنتی گوناگون، به پشتیبانی از پژوهش‌ها برخاسته‌اند، رقابت‌ها برپا کرده‌اند، و به اختراعات پاداش می‌دهند. هزاران مبدکار و ابزارساز ماهر، روی ماشین‌ها و روش‌های تولید صنعتی جدید کار می‌کنند. رهنمایی‌ها بر اثر ابتکارات و اختراعات بهبود می‌یابند.

انباشت دانش علمی تا اندازه‌ای به تحقق پشتیبانی نهادها و پژوهش‌های علمی بستگی داشت. دانشگاه‌های پژوهشی مانند دانشگاه پیشگام گوتنبرگ، دانشگاه هامبولدت در آلمان، و مؤسسه نام‌آور اکول پلی‌تکنیک در فرانسه، همراه با آزمایشگاه‌ها نخستین مراکز مورد نیاز برای پژوهش حرفه‌ای و آزمایش را فراهم آوردند. کمی بعد کارخانه‌های بزرگ آزمایشگاه‌هایی تأسیس کردند و افراد تحصیل‌کرده را برای پژوهش درباره تولید محصولات و فناوری‌های جدید به استخدام در آوردند. برای نمونه، رشته شیمی آلی، شالوده ایجاد صنایع شیمیایی را ریخت و پژوهش بنیادی درباره برق موجب پدید آمدن یک حوزه جدید انرژی همراه با زیرساخت‌ها و کاربردهای مربوط

به آن شد. در قرن بیستم، خاصه در نیمه دوم آن، خود پژوهش به صورت یک صنعت درآمد و با پشتیبانی دولت‌ها، مؤسسات خاص پژوهش پا گرفتند و بنگاه‌های بزرگی که عمدتاً چند ملیتی بودند طرح‌های «تحقیق و توسعه» را به انحصار خود درآوردند و بدین ترتیب قلمروهای جدیدی از دانش و زمینه‌های جدیدی در تولید صنعتی به ظهور رسیدند تا جایی که در سال‌های پایانی قرن بیستم صنایع و خدمات دانش‌محور به بخش‌های مسلط صنعت در اقتصادهای پیشرفته تبدیل شدند.

کشفیات علمی، و دانش مربوط به جهان طبیعی و جامعه بشری، در ترکیب با رویکردهای جدید نسبت به این دو قلمرو، موجبات تقویت قدرت شناخت نهادها را فراهم آوردند. قدرت که فقط به شرط تغییر و تحول نصیب آن‌ها می‌شد. البته واقعیت این است که این نهادها پیش از آن، حتی پیش از دهه‌های انقلابی پایان قرن هجدهم، شروع به تغییر کرده بودند. علی‌الخصوص این‌که نوعی اندیشه گیتی‌گرا، و جامعه‌ای که به تدریج به گیتی‌گرایی متمایل می‌شد، این امکان را فراهم آوردند تا آرمان تساهل جانشین تعصب دینی شود. نهادهای سیاسی و اجتماعی که از بیخ و بن بازسازی شده بودند به بررسی مفهومی موضوعاتی همچون انا پشه‌های روشنگرانه درباره حاکمیت ملی، سازمان اجتماعی، دولت ملی، و اشکالی از نهادها که می‌توانستند عملکرد بشر را به اعلا درجه برسانند، پرداختند. ولی حتی پیش از آن، در سده‌های شانزدهم و هفدهم، رژیم‌های خودکامه و اقتدارگرا زیر سؤال آمد، به آن‌ها حمله می‌شد، و حتی نابود می‌شدند. نبرد هلندی‌ها برای کسب استقلال، راسپایا به ما در نیمه دوم قرن شانزدهم، نخستین انقلاب بورژوازی در جامعه‌ای بود که از شر نهادهای فئودالی رها شده و کاملاً به شهرنشینی روآورده بود. در انگلستان، «انقلاب شکوهمند» سال ۱۶۸۸ موجب استقرار سلطنت مشروطه و نظام نیرومند پارلمانی شد. انقلاب فرانسه که در سال ۱۷۸۹ آغاز شد شعار «آزادی، برابری، برادری» را شالوده اصول بنیادین اجتماعی-سیاسی قرارداد.

در ضمنی که امیرنشین‌ها گیتی‌گرا می‌شدند و به تدریج خصوصیات دولت - ملت‌های مدرن را پیدا می‌کردند، شکل جدیدی از جامعه، جامعه بورژوا، و به همراه

آن، چارچوب‌های حقوقی (حق مالکیت مدرن، کپی‌رایت، حقوق بشر، و حق شهروندی) که موجبات نظم گرفتن این شکل جدید جامعه و اقتصاد مربوط به آن را فراهم می‌آوردند نیز به‌ظهور می‌رسیدند. برای نمونه، کد ناپلئون، که به‌کمک اصل قانون فراگیرش، دربارهٔ هریک از شهروندان یک ملت خاص قابل اجرا بود، قوانین مدرن مدنی، جزایی، و کسب‌وکاری را معرفی می‌کرد که در سراسر اروپا از روی آن تقلید می‌شد. آموزش گروهی فراگیر شد تا جایی که در فاصلهٔ نیمهٔ قرن نوزدهم تا پایان این قرن، آموزش ابتدایی رایگان و اجباری در کشورهای پیشرفتهٔ غربی، رفته‌رفته موجب ریشه‌کن شدن بی‌ادبی شد. کشورهای پیرامونی قادر به دنبال کردن این تحولات نبودند از این جهت که منبع سنگین تاریخی و فرهنگی چنین اجازه‌ای را به آنان نمی‌دادند. این نکته را در بحث‌های موری زیر عنوان «فرهنگ پیشامدرنی که راه بر تحول مبتنی بر سرمایه‌داری مدرن بست»، «ولند صنعت آهن ویزکایا در اسپانیا»، و «گانتس و رکز: یک بنگاه مهندسی خط مقدم در یک کشور کمتر توسعه یافته» تشریح می‌کنیم. کشورهای پیرامونی سرانجام در نیمه نخست قرن بیستم قدم در راهی گذاشتند که غربی‌ها پیموده بودند. در این کشورها، در دهه‌های میان دو جنگ، ولی بیش از همه در نیمهٔ دوم قرن بیستم، تحصیلات رایگان دبیرستانی صورت یک پدیدهٔ فراگیر در آمد. آن‌گاه در نیمهٔ دوم قرن بیستم، حتی تحصیلات دانشگاهی نیز رایگان شد و در گذر زمان، بیش از ثلث تا نیمی از جوانان سنین دانشگاهی از این فرصت استفاده کردند.

تمامی این بهبودها به‌وسیلهٔ مردمی حاصل شد که علیه خودکامی به‌خاستند و سنگ بنای ایجاد یک جامعهٔ آزاد و جدید را استوار کردند. دانشمندان و اندیشمندان سیاسی، مخترعان و کارآفرینان، آموزگاران، و کارگران ماهریا آموزش دیده، همگی دست به دست هم دادند تا رویای آزادی را به حقیقت پیوند بزنند. در مطالعات موردی «مایر آمشل باوئر و بنیان‌گذاری تجارت‌خانهٔ روتشیلد»، «دودمان موزوف: از رعایای بی‌سواد تا ثروتمندترین صنعتگران روسیه»، و «کارآفرینی یهودیان در مجارستان» برخی از این چهره‌ها را معرفی می‌کنیم. در مطالعاتی دیگر، از جمله در «بنگاه‌های امپراتوری‌ها و

امپراتوری‌های بنگاه‌ها»، «امپراتوری تیسن: از محلی به جهانی» یا «ویکرز-آرمسترانگ: غول نظامی چند بازو»، و «رولکس-از موفق‌ترین ساعت‌سازان سویس» به توصیف بنگاه‌هایی می‌پردازیم که در مسیر رسیدن به شکل مناسب برای فعالیت در اقتصاد مدرن پیش‌تاز بوده‌اند.

در سراسر دو قرن موضوع اصلی بحث ما، اندیشه‌های انقلابی موجب پدید آمدن تحولات خلاقانه شده‌اند. فرهیختگان و اندیشمندان سیاسی در تحولات مربوط به اقتصاد مدرن نقش محوری داشته‌اند، و مبتکران، افزون بر خلق بانک‌داری نوین، ماشین‌ها، ریلیا، به نوسازی نظام‌های اقتصادی و سیاسی کمک کرده‌اند. قدرت خودکامه، با اشراف به کراسی مبتنی بر مجلس نمایندگان انتخابی داده است؛ نظام ارباب-رعیتی از ره رخت بسته است؛ و آزادی فردی و حقوق بشر به تدریج ریشه گرفته است. و در این اواخر انقلابی که هنوز ادامه دارد در روابط میان جنسیت‌ها پا گرفته است که درها را برای زنان باز کرده است تا بتوانند در اقتصاد مدرن نقش تعیین‌کننده داشته باشند. نقش زنان در ایران از خانه رازیر عنوان «زنان در مدیریت و کاروکسب»، و زیر عنوان «زنان پرسرکار» و در بازار کار» کاویده‌ایم.

پیچیدگی‌های دو قرن اخیر را تنها هنگامی می‌توانیم درک کنیم که مجموعه گوناگونی از نظام‌های اقتصادی-اجتماعی-سیاسی را که در واکنش به تقاضاها و تجربیات مربوط به جابه‌جایی‌های جمعیتی، صحرانشینی، و شهرنشینی، به‌ظهور رسیده‌اند در محاسبات خود بگنجانیم. در مطالعات موردی مربوط به رژیم‌های اقتصادی کمونیستی و فاشیستی، رویکردهایی را شرح کرده‌ایم که این رژیم‌ها با درپیش گرفتن آن‌ها کوشیده‌اند با ایجاد تغییرات بنیادین نهادی-اجتماعی، که گاه با تجربیات نومیدکننده‌ای همراه بوده است، کمر به حل مشکلات ببندند. در مطالعات دیگری به بحث درباره ظهور و افول رژیم اقتصادی «رها به حال خود»، بازآفرینی سرمایه‌داری از رهگذر تحولات نهادی بنیادین، و ظهور و افول رژیم‌های اقتصادی بدیل، پرداخته‌ایم. بازتاب این رویدادهای تاریخی را زیر عنوانی چون «چرخه حمایت‌گری و رها به حال خود در اقتصاد بازار»، «اقتصاد

برنامه‌ریزی شده آلمان در زمان جنگ: گاهوارهٔ رژیم‌های جدید اقتصادی»، «رژیم اقتصادی دیکتاتوری مدرن‌سازی فاشیستی»، «رژیم اقتصادی برنامه‌ریزی شدهٔ غیربازاری»، و «منطقهٔ اقتصادی قاره‌ای نازی‌ها، و شورای همیاری اقتصادی به رهبری شوروی-استبداد منطقه‌ای» می‌خوانیم.

پس از دو جنگ تمام‌عیار ویرانگر، اروپا کوشید به جای درگیری‌های خونین میان دولت-ملت‌ها، راه تألیف قاره را برگزیند و از سرمایه‌داری بهره‌کشانه رو بگرداند. دولت‌های رفاه اروپا مردم را برکشیده‌اند و حقوق مدنی را از نو تفسیر کرده‌اند تا شامل حق امنیت اجتماعی نباشد. مطالعات موردی مربوط به این دگرگونی‌های تاریخی را زیر عناوین اتحادیه‌ها، بازرگانی و مشارکت اجتماعی، «نوسازی سرمایه‌داری: دولت رفاه»، «نوسازی سرمایه‌داری: نظام بازار تحت مقررات»، و «نظام بازتوزیعی اتحادیهٔ اروپا: به سوی اروپای همدرد» شرح داده‌ایم.

با تشکیل اتحادیهٔ اروپای یک پارچه، کوشش ساختارمند برای حذف تقسیمات بزرگ سنتی میان اروپای غربی و شرقی، و از اروپای مرکزی و کشورهای پیرامونی، شکل گرفت. فرایند تألیف با بازار مشترک اروپا آغاز شد، هرچند رابطهٔ مرکز-پیرامون که از آغاز ظهورش در سده‌های مدرن، وجه مشخصهٔ نظام اقتصادی جهان به شمار می‌آمد از میان نرفت. ولی با این‌که برخی از کشورهای پیرامون اروپا تا سال ۲۰۰۸ به درجهٔ پیشرفت اروپای غربی نزدیک شده بودند، وقتی بحران اقتصادی جهانی پا گرفت، اقتصاد آن‌ها هنوز آسیب‌پذیرتر از برادران غربی‌شان بود. مطالعات موردی، با عناوین «چگونه کشوری را ورشکست کنیم: یونان از ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰»، و «کشورهای پیرامون اروپا و بحران اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۱۲» به شرح این موضوعات اختصاص داده شده‌اند.

تمامی تحولاتی که عناصر اصلی اقتصاد مدرن را تشکیل می‌دادند قرن‌ها به درازا کشید تا به بار نشستند. از این گذشته فرایند وقوع این تحولات یک‌نواخت نبود بلکه چرخه‌هایی بود مرکب از برهه‌هایی از پیشرفت همراه با پسرفت‌های شدید. اقتصاد به صورت تپش‌هایی پیوسته از امواج میان مدت و بلند مدت درآمده بود. کسب‌وکار سوداگرانه به حباب‌هایی می‌انجامید که سرانجام می‌ترکیدند و رنج و زیان فراوان به بار

می‌آوردند. کسادى ها و رکودهای بزرگ به طور منظم به اروپا و دیگر جاهای جهان هجوم می‌بردند. شرح بسیاری از این بدآیندها از سده هفدهم تا حال، همراه با نظریه‌هایی که علل آن‌ها را توضیح داده‌اند زیر عنوانی چون «رویای فرعون و چرخه‌های اقتصاد مدرن»، «یک شناخت شوک‌آور جدید: نیکولای کوندراتیو و چرخه‌های بلند اقتصادی»، «از حباب لاله هلندی (۱۶۳۷) تا حباب بازار املاک در ایرلند (۲۰۰۸)»، «دیکتاتورن فروپاشی اقتصادی: رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰»، «کالبدشکافی فروپاشی بانکی دهه ۱۹۳۰» در این کتاب به میان آمده است. یک مورد مطالعاتی بسیار جالب شخصی هم داریم که زیر عنوان «خودکشی ایوار کروگر در سال ۱۹۳۲: حس و حال، و نماد رکود بزرگ» می‌خوانیم.

گاهی اوقات کودای بزرگ، کسادى ها، و بازگشت جنگ‌ها و دیکتاتوری‌ها، موجب توقف پیشروی ملی و انجم اقتصادی می‌شدند چنان‌که دستاوردهای گذشته دستخوش نابودی رویدادهای تازه قرار می‌گرفتند. توسعه اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی خطی نیست و به سمت یک هدف تعیین شده پیش نمی‌رود. با این همه، دو قرن مدرن‌سازی در اروپا، به رغم برهه‌های پستی و بلندی، و به رغم ناتوانی در توزیع روند توسعه به صورت یکسان در مناطق جغرافیایی بی‌زمان زندگی عادی روزانه اروپاییان را بهبودی بخشیده است.

سرمایه‌داری اروپایی، در سراسر تاریخش نرمش رینی نشان داده است. ممالک استعمارزده که نقش مهمی در تولید سرمایه‌داری و کشورهای سرمایه‌دار داشتند اما پس از جنگ جهانی دوم مایه دردسر شدند، نمونه آشکاری از توان در واکنش نشان دادن و تغییر و تحول به دست می‌دهند. رژیم‌های سرمایه‌دار استعمارگر، یکی به نرمش دیگری، خودشان را بر پایه مدل سرمایه‌داری نظام دادند، و در مسیر تغییر و تحول افتادند تا جایی که سرانجام قدرت‌های امپریالیستی همچون بریتانیا، هلند، و فرانسه، به اختیار یا زیر فشارهای سیاسی، نظامی، و اقتصادی، صحنه را ترک کردند. شرحی زیر عنوان «تولد و نوسازی سرمایه‌داری: استعمارگری و استعمارزدایی» به این مطلب اختصاص دارد. شرایط کار غیر انسانی سرمایه‌داری اولیه، نمونه دیگری از

نرمش و بالندگی است. در نخستین کشورهای سرمایه‌داری، دوازده تا شانزده ساعت کار روزانه، کار کودکان، دستمزدهای ناچیز، و شرایط اسکان رقت‌آور، امری عادی به‌شمار می‌آمدند. رژیم‌های سرمایه‌داری در گذر زمان به این شرایط دشوار و تقاضا برای وضع قانون کار، قانون مالی، و نهادهای رفاهی واکنش نشان دادند. نتیجه نهایی، دولت رفاه اروپایی مدرن بود.

چنانچه در این گشت‌وگذار کوتاه نشان دادیم، این کتاب درباره تاریخ مردمی نوآور است، تاریخ آماتورهای شیفته، فرهیختگان تنها، نوابغ، و پژوهشگران عادی، که البته گاهی مسئله کار و درآمدی در بیشتر اوقات از پشتیبانی دانشگاه‌ها یا آزمایشگاه‌های بنگاه‌ها برخوردار بودند. این کتاب همچنین حاوی سرگذشت حیرت‌آور بنگاه‌های پیشتاز، اندیشه‌ها و کار آثirkگذار رویدادهای مهم، و مقاطع سرنوشت‌ساز تاریخی است؛ و سخن از نهادهای جدیدی می‌گوید مانند نظام کشت نوبتی مدرن، نظام تولید کارخانه‌ای، و نخستین بانک‌ها؛ مدرن که امروزه عادی و همه‌جا حاضر به نظر می‌آیند اما در بدو تولدشان درهایی را گشودند که آن‌ها را به شکل متفاوتی نشان می‌دادند. در نهایت، این کتاب، با شرح مطالعات موری و رساله‌های مربوط به تاریخ بی‌مانند اقتصاد اروپای مدرن، روزنه‌ای می‌گشاید که از درون آن می‌توانیم زنجیره‌ای از رویدادها، کردارها، اندیشه‌های فردی، تأثیرات نهادی، و کارآفرینی‌های «جسورانه» «کوچک» را مشاهده کنیم. وقتی این شواهد را کنار هم بگذاریم ده‌ها برهان را می‌بینیم، و حتی هیجان‌انگیز ظاهر می‌شود که در کل نمایشگر مقطعی از یک تاریخ پیدایش مربوط به پدیده‌های درهم‌تنیده است. این به ما اجازه می‌دهد شکل‌گیری اروپای مدرن را بار دیگر تجربه کنیم.